جواهر الاحکام مصطفوی

فقه‌نامه‌ای پارسی از سدهٔ ششم هجری

سراج الدین علی بن عثمان اُوشی

مقدّمه و تصحیح: رسول جعفریان

جواهرالاحکام مصطفوی

فقه‌نامه‌ای پارسی از سدهٔ ششم هجری

سراج‌الدین علی بن عثمان اُوْشی

مقدّمه و تصحیح:

رسول جعفریان

زمستان ۱۴۰۳

جواهرالاحکام مصطفوی،
فقه‌نامه‌ای پارسی از سدهٔ ششم هجری

سراج‌الدین علی بن عثمان اُوْشی
مقدّمه و تصحیح: رسول جعفریان (استاد دانشگاه تهران)

ناشر: سماع قلم
ویراستار: مریم صدیقی
طراح جلد: حسن صدیقی
چاپ و صحافی: آریاگرافیک
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
شمارگان: ۳۰۰

فهرست کتابخانهٔ ملّی
▪ سرشناسه: اوشی فرغانی، علی‌بن عثمان، - ۵۷۵ق. ▪ عنوان و نام پدیدآور: جواهرالاحکام مصطفوی، فقه‌نامه‌ای پارسی از سدهٔ ششم هجری /سراج‌الدین علی‌بن عثمان اوشی؛ مقدّمه و تصحیح: رسول جعفریان. ▪ مشخصات نشر: تهران: سماع قلم، ۱۴۰۳. ▪ مشخصات ظاهری: ۲۸۰ص. ▪ شابک: ۳-۱-۸۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۸ ▪ وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا ▪ یادداشت: کتابنامه: ص.[۲۵۹] - ۲۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس. ▪ یادداشت: نمایه. ▪ موضوع: فقه حنفی -- قرن ۶ق.، Islamic law, Hanafi -- 12th century ▪ شناسهٔ افزوده: جعفریان، رسول، ۱۳۴۳- ▪ شناسهٔ افزوده: Jafariyan, Rasul ▪ رده‌بندی کنگره: BP ۱۷۲/۲ ▪ رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۳۲ ▪ شمارهٔ کتابشناسی ملّی: ۹۹۳۸۶۷۷.

شمارهٔ تماس: ۰۲۱۸۸۹۹۵۹۰۲ - ۰۹۳۳۳۱۳۳۰۹۵
پست الکترونیک: nashresamaeqalam@gmail.com
فروشگاه اینترنتی: www.nashresamaeqalam.ir
بها: ۴۱۵,۰۰۰ تومان

فهرستِ مطالب

یادداشتِ ناشر

در تاریخ اسـلام، فقه حنفی با ترکیب اجتهاد رأی و قیاس و تأکید بر اصـول کلی در استنباط احکام، به یک مکتب فقهی پیشرو تبدیل شد. این مکتب به دلیل تطبیق‌پذیری‌اش با شرایط متغیر جوامع اسلامی، به‌سرعت گسترش یافت، و در مناطق عراق، خراسـان، هند، آسـیای میانه، عثمانی، و بالکان به مذهب غالب تبدیل شـد. ویژگی برجسـتهٔ این مکتب، توجه به مصـالح عمومی، عرف و عادات جامعه در کنار نصوص دینی است، که به آن کمک کرد تا به یکی از گسترده‌ترین مکاتب فقهی در جهان اسلام تبدیل شود.

کتاب «**جواهرالاحکام مصطفوی**»، فقه‌نامه‌ای به زبان فارسی است که در سدهٔ ششم هجری قمری در ماوراءالنهر متولد شد؛ اثری ارزشمند و کاربردی از فقیه و محدث بزرگ ماوراءالنهر، **سـراج‌الدین علی بن عثمان اوشـی**. این کتاب یکی از منابع فقه فارسـی اسـلامی، با زبانی روان و قابل‌فهم، به بررسی مسائل فقهی ماوراءالنهر پرداخته است.

کتاب حاضـر با تلاش‌های ارزشـمند و علمی **دکتر رسـول جعفریان**، پژوهشگر برجسـته و اسـتاد صـاحب‌نظر تاریخ اسـلام، تصـحیح شـده است. ایشـان با بهره‌گیری از نسـخه‌های خطی موجود در ایران و ترکیه و دانش گسـترده‌شـان در زمینهٔ تاریخ اسـلام، این اثر را به‌گونه‌ای تصـحیح کرده‌اند که اصـالت علمی و ارزش زبانی آن حفظ شـود و درعین‌حال، متنی منقح را در اختیار خوانندگان قرار دهند.

«جواهرالاحکام مصطفوی» نه‌تنها اثری مرجع برای فقه‌پژوهان است، بلکه دریچه‌ای به شناخت اندیشه‌ها و رویکردهای فقهی در سدهٔ ششم هجری می‌گشـاید. این اثر با تأکید بر مسـائل عملی و اجتماعی فقه، بازتابی از دغدغه‌های جامعهٔ اسلامی در آن دورهٔ ماوراءالنهر است.

انتشار این کتاب گامی در راستای احیای میراث تاریخی و فرهنگی جهان اسـلام اسـت و امیدواریم بتواند مورد اسـتفاده دانشـجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به فقه و تاریخ اسلام قرار گیرد.

زندگی، آثار، و افکار سراج‌الدین علی اوشی
دانشمندِ سدهٔ ششمِ ماوراءالنهر

آثار فقهی حنفی، گنجینه‌ای درخشان از زبان فارسی

سال‌هاست شیفتهٔ کتابِ «فهرستوارهٔ فقه هزار و چهارصد سالهٔ اسلامی در زبان فارسی» محمدتقی دانش‌پژوه هستم و هربار که به آن مراجعه می‌کنم، از آن بهره می‌برم. مرحوم دانش، در این کتاب مانند بسیاری از کتاب‌ها و مقالات خود، انبوهی از اطلاعات نو و دستِ‌اول را آورده که هرکدام می‌تواند راهنمای پژوهشگران در حوزهٔ زبان فارسی و رابطهٔ آن با فقه و کلام باشد. پیش‌تر متخصصان تاریخِ ادبیات، انواعِ آثار ادبی فارسی را در پژوهش‌های خود موردِ بحث قرار داده بودند، و همین‌طور پژوهشگران حوزهٔ عرفان و تصوف؛ اما این بار دانش‌پژوه متوجه اهمیت کتاب‌های فقهی در این زمینه شد و کوشید فهرستی از آن‌ها را در این کتاب بیاورد و رابطهٔ فقه ـ و پارهٔ علوم نزدیک به آن، مانندِ حدیث، دعا و ... ـ و طبعا آنچه به زبان فارسی بود، از نظر کتاب‌شناختی و موضوعات دینی و اصطلاحات مورد توجه قرار دهد. کتاب در بیست و یک فصل سامان یافته و در پایان آن، یک رسالهٔ فارسی در اصول فقه نیز ضمیمه شده است. محتوای این فصول هرکدام به حوزه‌ای اختصاص دارد. از فقه فارسی شیعی گرفته تا فقه فارسی سنی، رساله‌های عملیهٔ عامیه، همین‌طور شکارنامه‌ها، سنگ

خوارداشت در این کتاب نظر کند، و مسائل و روایاتی که در این کتب مذکور است تحقیر کند **به سبب این‌که فارسی است** و به زبان گوید که این فارسی‌ها را هیچ اعتباری نیست، و به این‌ها کار کردن و عمل کردن روا نیست و **مطلقاً منکر شود کتاب‌های فارسی را،** به‌سبب خودبینی و بی‌باکی و ناخداترسی، اکنون به شریعت و به حکم فتوای علمای اهل سنت و جماعت و به حکم علمای دین، کَسِ مذکور مطلقاً منکرشونده و اهانت‌کنندهٔ این کتاب صلاة الفقه مسعودی فارسی را وسایل و روایاتی که در او است، کافر شود مطلقاً یا نی؟» در ذیل، پاسخ مثبت هشت تن از علمای اهل سنت با عنوانِ «**شود**» (یعنی کافر شود)، یا «صحّت الاجوبه» مسطور است.[1] با این حال، در بخشی از همین کتاب که از اساس فارسی است و چنین استفتائی را روی آن ملاحظه می‌کنیم، عبارتی آمده که نشان می‌دهد باز هم زبان فارسی در رتبه‌ای پس از زبان تازی است، و در کتابخانه‌ها باید کتاب‌های فارسی را زیر کتاب‌های عربی - دینی و غیردینی - قرار داد: «فصل: زبان تازی را بر جملهٔ زبان‌ها فضل است؛ هرکه او را بیاموزد، او را ثواب بود. به وقت تخته نهادن کتب، کتاب پارسی را زیر باید نهادن، و کتاب ادب و لغت را به زیر آن، و کتاب فقه را به زبر آن، و کتاب اخبار را به زبر آن، و کتاب تفسیر را زبر آن، و کراسه را زیر آن نشاید. نیز عامی را بر زبر دست جوان دانشمند نشیند؛ در گفتن و رفتن نیز تقدم نکند، و در خبر است از رسول علیه الصلوة و السلام که ذوالسلطان و ذوالعالم احق بشرف المجلس، یعنی سلطان عادل و مرد عالم را به صدر نشستن سزاوار است.»[2] مشابه این متن در جواهرالاحکام نیز آمده است.

پاره‌ای از فواید آثار کهن فقه فارسی

فواید این قبیل آثار فارسی ماوراءالنهر در حوزهٔ فقه بسیار فراوان است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شد، ولی این بار باید در این کتاب کمی تأمل کنیم:

الف) فواید زبانی: شاملِ لغات و ترکیبات تازه، شکل ضبط کلمات

۱. کتاب شیعه، ش ۱۹ - ۲۰، ص ۳۹۴.

۲. سمرقندی، صلوة مسعودی (نسخهٔ خطی)، مجلس، فریم ۱۸۳.

سراج‌الدین علی اُوْشی

سراج‌الدین ابوالحسن (یا ابومحمد) علی بن عثمان بن محمد تیمی اُوْشی فرغانی حنفی (م ۵۷۵) از فقها و علمای شناخته‌شدهٔ ماوراءالنهر و نویسندهٔ چندین کتاب و رساله است. اُوْش که در حال حاضر در کشور قرقیزستان است، منطقه‌ای از فرغانه محسوب می‌شد. نام شماری از عالمان آن ناحیه را ذیل مدخل «اوشی» در انساب سمعانی و معجم‌البلدان می‌توان یافت.[۱] حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷) ذیل «الاوشی» نوشته است: «الأُوْشي: إلى أُوْش بلدة من بلاد فرغانة خلف سيحون.»[۲] در میان جغرافی‌دانان قدیم، ادریسی (م ۵۶۰) توضیحات کاملی دربارهٔ این شهر به‌دست داده است:

«شهر اوش در مکانی دلپذیر و خوش‌آب‌وهوا، در کنار رودی که به نام آن شهر شناخته می‌شود، قرار دارد. این شهر دارای حومهٔ بزرگی است که با دیواری مستحکم به دیوارهای اصلی شهر متصل است. همچنین دارای یک قلعهٔ مستحکم و بازارهای جامع و متنوعی است. خود شهر از نظر بزرگی در حد یک شهرک بزرگ (مانند قُبا) است و سه دروازهٔ آهنین مستحکم دارد. شهر اوش به کوه‌های مجاور سرزمین ترک‌های تبتی نزدیک است. ساکنان این شهر در این کوه‌ها دیده‌بانی دارند که برای محافظت از منطقه و مراقبت از مهاجمان ترک استفاده می‌شود. فاصلهٔ اوش تا شهر اوزکند، که آخرین شهر فرغانه به سمت سرزمین ترک‌ها در شرق است، یک مرحله راه (مسافتی معادل یک روز) است. اوزکند شهری بزرگ و پرجمعیت است، و مردم آن سپاهیان منظم و مردمانی قدرتمند و باعزت هستند. این شهر دارای روستاهای بسیاری است، و در قلمرو آن، هیچ شهر دیگری وجود ندارد. نزدیک به اوزکند، در شمال، شهر کاسان قرار دارد که شهری دلپذیر، حاصلخیز، و پُر از ساختمان‌ها و کشتزارهای فراوان است. کاسان نام شهر و همچنین نام ناحیه‌ای است که شهر در آن قرار دارد و این ناحیه دارای روستاهای زیادی است. فاصلهٔ کلی از منطقهٔ فربر، که در کنار رود جیحون است، تا اوزکند برابر با ۲۴ مرحله (مسافت‌های روزانه) است. در شمال این منطقه، ناحیهٔ میان‌رودان قرار دارد که شامل روستاهای بسیار و شهری به نام خیلام است.»[۳]

---

۱. سمعانی، الانساب، ج ۱، ص ۳۹۰؛ یاقوت حموی، معجم‌البلدان، ج ۱، ص ۲۸۱.
۲. حاجی خلیفه، سلم‌الوصول إلی طبقات الفحول، ج ۴، ص ۲۱۷.
۳. ادریسی، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، ج ۱، ص ۵۰۸.

نسخه‌های جواهرالاحکام

۱. نسخهٔ دانشگاه تهران، ش ۷۹۴۱: با تاریخ کتابت ۹۳۶ق. متن کتاب جواهر در این نسخه، از فریم ۸ آغاز شده و در فریم ۱۰۵ پایان می‌یابد. اگر یک فریم را که از اسکن افتاده بر آن بیفزاییم (۱۸/۲) باید آن را ۱۰۶ فریم به حساب بیاوریم، اما ما اساس را همان ۱۰۵ گرفته، شمارهٔ فریم را در متن در کروشه گذاشتیم. در دو مورد که این نسخه نقص داشت، مطلب را از نسخهٔ ایاصوفیه افزودیم، و شماره‌های متن را بر همان روال نسخهٔ دانشگاه، اما با افزودن اسلش و شماره قرار دادیم.

نسخهٔ اصل ما همین نسخه است و البته با دو نسخهٔ دیگر تفاوت‌هایی دارد، اما چنان‌که از متن آن آشکار است، به ادبیات فارسی ماوراءالنهر نزدیک‌تر است. در موارد ضروری، نواقص و پاره‌ای ابهامات آن را از روی نسخهٔ ایاصوفیه اصلاح کردیم. بنابراین، ثبت و ضبط کلمات و اعراب متن حاضر، عیناً مانند نسخهٔ اصل است. پس هرکجا **پ** به‌صورت **ب** بوده، یا **چ** به‌صورت **ج**، و موارد دیگر، از اعراب و همزه، تلاش شده است تا عین نسخه باشد. مواردی که «ی» جانشین از کسره که به «ها»ی غیرملفوظ آخر کلمه در ترکیب‌های وصفی و اضافی ختم می‌شود، مانند «بارهٔ» که باره‌ی خوانده می‌شود و نیز مواردی مانند «طایفهٔ» که «ای» (طایفه‌ای) خوانده می‌شد، به همان صورت که نوشته شده، حفظ شد. پاره‌ای «ی»های پایان کلمه نیز که با کسرهٔ ربط باید خوانده می‌شود، به این صورت نوشته شده: «بار خداوندا **روزئ** من فراخ کردان» که به همین صورت آمد، یعنی همزه‌ای در دامن یاء گذاشته شده است. بسیاری از «آ»ها بدون مد است، ازجمله «انجه» «ان»، «ازاد» و مانند این‌ها. درواقع، ضبط تمام کلمات بر همین روال و براساس نسخهٔ اصل مانده است، حتی اگر متفاوت با رسم‌الخطی باشد که امروزه مرسوم است. بحث در این باره برای دوستان اهل ادبیات باقی خواهد ماند تا بتوانند براساس آن گزارش دقیقی داشته باشند. برخی از آیات به اشتباه نوشته شده بود که لازم بود اصلاح شود. پاره‌ای از احادیث هم متفاوت نوشته شده که به همان صورت آوردیم و اگر در منبعی یافت شد، ارجاع دادیم. به نظر می‌رسد احادیث استناد شده، در بسیاری از موارد با آنچه در متون حدیثی به‌جامانده تفاوت دارد و این هم موضوعی است

در تصـحیح کتاب، چند مسـأله وجود داشـت. از نظر ضـبط کلمات، مهم انعکاس نسخهٔ دانشگاه و تقدیم آن به فارسی‌زبانان و در جهت خدمت به زبان فارسـی بود. طبعا در مواردی برای رفع ابهام از نسـخهٔ ایاصـوفیه و منابع دیگر استفاده شـد. گاهی هم لغتی که دشـوار بود، ترجمه‌اش در پاورقی منعکس شـد. وظیفهٔ اصلی ما ارائهٔ نسخهٔ اصل به همان شکل موجود بود. نکتهٔ دیگر مباحث فقهی بود که گاه یک متن چندان روشـن نبود. در این موارد نیز با نقطه و ویرگول و علایم ویرایشی سعی کردیم تا حد ممکن، عبارت را مفهوم کنیم. اگر ابهام بیشتر بود، اندکی به منابع دیگر هم مراجعه شد، اما حقیقت، کار ما فقهی نبود و اعتراف می‌کنیم که همچنان برخی از موارد مبهم اسـت و لازم اسـت تا به کتب فارسـی فقهی کهن و نیز منابع عربی مراجعه شـود. بابت بدخوانی و خطاهای احتمالی، پیشاپیش عذرخواهم و اگر هرکدام را کسی یادآور شد، از وی سپاسگزارم.

دست‌نامه‌ای در عقاید دُرُست

کتاب جواهرالاحکام، به‌جز چند سـطر در معرفی کتاب، با مقدمه‌ای در باب شـرف علم، و بحثی دربارهٔ عدل و توحید، و شـرح عقاید از دیدگاه مذهب ماتریدی آغاز می‌شـود. چنان‌که می‌دانیم از سـدهٔ چهارم، ماوراءالنهر زیر سـیطرهٔ فکر کلامی ابومنصور ماتریدی بود. پس از او، شمار زیادی از عالمان نسفی، اوشی و... به تبیین باورهای کلامی ماتریدی که مذهبی میانهٔ معتزله و اشـعری بود، پرداختند. نویسـندهٔ ما یکی از همین عالمان اسـت که قصـیدهٔ لامیهٔ او با نام «بدءالامالی» شاملِ ۶۶ بیت در توحید، همچنان موردِ احترام جامعهٔ حنفی وارارود و شبه‌قاره است؛ برای آن شرح می‌نویسند و آن را در مدارس تدریس می‌کنند.

اوشی در این کتاب بارها به عقاید ماتریدی اشاره کرده است. نخست در بحث کوتاه آغازین کتاب، دربارهٔ تقدیر نیکی و بدی و تفاوت جهد و توفیق می‌نویسد:

«تقدیر نیکی و بدی از خدای است عزّوجل، و به مشیّت وی است، و در وی حکمت‌هاسـت؛ لیکن بدی‌ها به رضـای وی نیسـت. و مناظره کردن در مسـئلهٔ خیر و شر و قدر، منهی است. و نشاید گفتن که جَهد با توفیق برابرست، زیرا که جهد بنده حادث است، و توفیق الهی ازلی است؛ و این قول خواجه ابومنصـور ماتریدی است، رحمة الله علیه.» (فریم ۱۳)

دربارهٔ برخی از آداب و رسـوم، از هر نوع، حتی پزشـکی، نظر می‌دهد، درنتیجه، الفـاظ و ادبیـات فقهی در این متون نیز به کـار گرفته می‌شـود. همچنین معادل‌هایی که برای مفاهیم عربی رسـیده از جزیرةالعرب به کار می‌رود، ما را در جریان دیدگاه‌های محلی و بومی پیش از اسـلام و پس از آن در حوزهٔ فرهنگ و اجتماع می‌گذارد. به‌طور مثال، تعبیرِ «رسیده» و «نارسیده» برای فرزند بالغ و نابالغ به کار می‌رفت. از این دست مفاهیم بسیار فراوان است.

باید بر ارزش ادبی این متن، به‌ویژه از دو جهت تأکید کرد. نخسـت گنجینهٔ عظیم اصطلاحات و لغات فارسی رایج در جامعهٔ فارسی‌زبان ماوراءالنهر که در این کتاب منعکس شـده اسـت، اعتبار و ارزش این زبان را در آن دوره نشـان می‌دهد، و برای امروز ما نیز در فهم گذشتهٔ لغات فارسی و کاربردهای روزانه سودمند است. دوم مجموعه‌ای از لغات فقهی و حقوقی و دینی که ساختار و سازوکارهای خاص خود را در زبان فارسـی دارند، از نظر تاریخ علم و پیوند آن با زبان بسـیار بااهمیت هسـتند. لغات و ترکیباتی از این دست را که شامل لغات عمومی، و نیز اصطلاحات دینی و حقوقی کمیاب می‌شود، در فهرستی در پایان این کتاب ارائه خواهیم داد.

در اینجا برای نمونه به چند مورد مشخص می‌پردازیم و باقی را به متخصصان و پژوهشگران حوزه‌های تمدن، مردم‌شناسی و ادبیات واگذار می‌کنیم.

الف: سلطان در فقه حنفی

دربارهٔ سیاست‌نامه‌های شرعی فراوان خوانده‌ایم، و چنان‌که آگاهیم بخشی از این کتاب‌ها حقوقِ متقابلِ سـلطان و مردم در قالب فقه ـ اخلاق و البته بر پایه‌های داده‌های قرآن، حدیث، و عرفیات موردِ قبول در جوامعی اسـت که این نظریات در آن‌ها شـکل گرفته اسـت. اما این‌که کسـی فقه را از ابتدا تا انتها مرور کند و ببیند سـلطان چه جایگاهی دارد، کار جالبی می‌تواند باشـد. اغلب گفته می‌شـود فقه حنفی، فقه حکومتی است، زیرا اولاً خود ابوحنیفه یک فرد سیاسی به تمام معنا بود، و ثانیاً دو تن از شـاگردانش که رهبران اصـلی فقه حنفی بودند، در دربار عباسـیان بودند، و درنتیجه، فقه حنفی سـمت و سـوی حکومتی به خود گرفت. در این فقه، جایگاه سلطان، با وصف عادل یا ظالم، جایگاه ویژه‌ای است.

جواهر الاحکام مصطفوی

سراج‌الدین علی بن عثمان اُوْشی

جواهرالاحکام

[۸][1] بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمد لله ربّ العالمین و الصلٰوة و السّلام علیٰ رسُوله محمدٍ و آلِه اجمعین.

قال الشیخ الامام الاجل سراج‌الدین علی بن عثمان الأوشی، تولاّهٌ بعصمته، و خضّر اسلامه برحمته:[2] این کتابیست که یاد کرده آمد اندر وِی ظرفی[3] از جواهِر الاحکام مُصطفوی، صلّی الله علیه و سَلم، که حوایج اهل روزکار از خواص و عوام بحفظ و ضبط او ارتباطی تمام دارد؛ و رعایت نموده شد در تألیفِ او و از برای ترادف یُمن و تضاعف حُسن و جزالتِ الفاظ و مبانی، و وفادت اعراض و مَعانی؛ و افتتاح کرده آمد بنیان نمودن شطری از شرفِ علم و ارتفاع قدر و اِعلاء[4] منصب او، از طریق آیاتِ قرآن و اخبار سیّد رسُل، صلوات

---

۱. اساس این چاپ، که از آن با عنوان نسخهٔ اصل یاد می‌شود، نسخهٔ دانشگاه است، طبعاً شماره‌های همان نسخه، بر اساس فریم (دو صفحه روبروی عکس گرفته شده) خواهد بود. در یک مورد این عکس، یک فریم کم دارد ـ که مجدداً عکس گرفته شد ـ اما به شماره های قبلی دست نزدیم، و این مورد را [۱۸/۲] گذاشتیم. دیگر آن که نواقصی در این نسخه بود که با نسخهٔ ایاصوفیه تکمیل شد. در آن موارد، شمارهٔ فریم قبلی تکرار شده ـ مثل مورد قبل ـ و کنار آن شمارهٔ فریم نسخهٔ ایاصوفیه هم آمده است. این در همان موارد نقص است. آنچه در مقدمه به فریم‌های داخل متن ارجاع داده‌ایم، بر اساس همان نسخهٔ اصل است.

۲. کذا. ایاصوفیه: «خص اسلافه برحمته».

۳. ایاصوفیه: طرفی.

۴. ایاصوفیه: اعتلاء.

نمایه

اشـخاص، جای‌ها، کتاب‌ها، اقوام،
فِرَق، مذاهب و گروه‌های اجتماعی،
لـغـات و اصـطـلاحـات کـهـن

فهرستِ اشخاص

فهرستِ جای‌ها

فهرستِ کتاب‌ها

فهرستِ اقوام، فِرَق، مذاهب، گروه‌های اجتماعی

لغات و اصطلاحات کهن

اسلام در دههٔ سوم قرن اول هجری وارد خراسان و ورارود شد. مردمان پارسی‌زبانِ آنجا در پذیرش اسلام با فاتحانِ عرب همراه شدند. در یک دورهٔ بلند تاریخی، آثار دینی به زبان عربی نگاشته شد، اما به تدریج، آثاری در علوم اسلامی به‌ویژه فقه، به زبان پارسی نوشته شد. در طول قرون بعد، زبان پارسی، پا به‌پای زبان عربی، قالبی برای آثار دینی، تاریخی و ادبی بود. از قرن چهارم به بعد، آثار بزرگ و کوچکی در فقه به پارسی نوشته شد که کتاب جواهرالاحکام سراج الدین اوشی (م ۵۷۵) از آن شمار است. این کتاب یک دورهٔ مختصر اما کامل در فقه پارسی براساس مذهب حنفی است. جواهرالاحکام افزون بر ارزش دینی، یک متن پارسی کهن، حاوی لغات، اصطلاحات، و مفاهیم فراوان در نظام اجتماعی و فرهنگ و تمدّن مسلمانانِ خراسان و ورارود به شمار می‌آید.

کتابخانهٔ تاریخ ـ ۲

ISBN: 978-622-87575-1-3